

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

ملالی موسی نظام
۱۳ دسمبر ۲۰۰۸

سخنی عریان با آقای قیس کبیر

مدیر سایت افغان جرمن

همینکه مضمون چند سال قبل محترم داکتر رحیم عزیز را که تاریخ کهنه آن کاملاً مشخص میباشد، در مورد ملالی جویا، قهرمان زن افغان که صدای عدالت خواهی و پیگیری از جنایت کاران جنگی افغانستان را همواره بلند مینماید، در سایت «افغان - جرمن» مشاهده نمودم، باور بفرمائید که به کنه افکار و طرز العمل شما پی بردم و از شناختی که از جناب عالی دارم، دانستم که حال که بین آقای سیستانی و آقای موسوی اختلافات اندیولوژیکی به ظهور رسیده است، شما نه تنها مثل همیشه مورد شست و شوی مغزی از جانب «دیگران» قرار میگیرید، بلکه با روحیه انعطاف پذیری مفرطی که در شما موجود میباشد، تا آخر خطر رفته و هر آنچه بر شما حکم گردد، همان را اجراء مینمائید! آری قیس جان، بیاد بیاورید که ما و شما نه تنها در زمانی که من جزء گروه نشراتی سایت شما بودم، بلکه بعد از استعفای من از آن سایت هم گاه گاهی مذاکرات، مباحثات و اختلاف نظرهای جدی از طریق کمپیوتر و ایمیل ها بین ما و شما رد بدل میشد. افسوس که نتیجه گیری در مورد همه موارد به یک جمله خلاصه میگردد:

شما در نظریات و افکار تان بسیار انعطاف پذیر بوده و با هر بادی میلرزید و «اجباراً» همه وقت هم به نعل میزنید و هم به میخ! چرا؟ به گفته خودتان علی الرغم عدم موافقت شما با عقیده بعضی از اعضای سایت تان، آنچه را آنان میخواهند، شما اجراء مینمائید، چون به این احترام زیاد قائلید و به آن احتیاج زیاد احساس مینمائید و وای به جان حقایق تاریخی مملکت شما که در زمینه پامال میگردد.... بیاد می آورید که در ماه جولای ۲۰۰۷، مضمون این جانب را بنام «بیست و شش سرطان، صفحه دیگری از تاریخ» که در سایت «افغان - جرمن» به نشر رسید، شما تا کدام حد تقدیر و تمجید نمودید؟ حتی اظهار داشتید که قلم بدستان و دوستان زیادی در زمینه آن مضمون به خاطر واقعیت های تاریخی مندرجه در آن، با تلفون ها و ایمیل ها به شما تیریک گفتند! ولی و اما، آیا این را هم بیاد دارید که شما صاحب و مدیر مسؤل سایت راجستر شده «افغان - جرمن - آنلاین» اجازه نشر مضمون آقای «عطائی» را که نه تنها مضمون مرا «کاملاً» غلط؟! دانست، بلکه انتقادات غیر واقعی شخصی هم، بر اینجانب و فامیل من حواله نمود، صادر نمودید. البته که بعداً همین شما به عجز اظهار نمودید که علی الرغم عدم عقیده تان بر انتقادات آقای عطائی، اجبار نشر مضمون ویرا به دلائل «خاصی» داشتید که واقعا دل من به حال شما سوخت!! میگذریم که تاریخ همیشه تکرار میگردد، و امسال هم در ماه جولای مضمون دیگر این قلم را بنام «بیست و شش سرطان همیشه تاریخ ساز است» نشر نمودید، چون قبول آزردهی آقای عطائی در توان شما نبود، بگفته خودتان، من باید موقف شما را درک میکردم.... که با درک موقف شما، سایت شما و جهت و سمت سایت شما را هم درک نمودم!!

می بینید قیس جان کبیر که اختیارات مطبوعاتی شما تا چه حدی در دست «دیگران» قرار دارد که نه تنها تاریخی که شما شاهد عینی آن بوده اید و به آن ایمان دارید، به خاطر آزردهی این و مراعات آن به تحریف مواجه میگردد، بلکه رسالت ملی و تاریخی را که در قبال مردم و مملکت تان در سایت تان ادعا مینمائید، هم به اساس همین استدلال شما، خدشه دار گردیده و اکثراً ناپدید میگردد.

باری، در مورد معضله اختلافات آقای موسوی و آقای سیستانی، دیروز جناب شما، مدیر مسؤول سایت «افغان - جرمن» مضمون این جانب را که در نومبر سال ۲۰۰۶، در مورد آقای «سیستانی» نوشته بودم، با «حذف تاریخ تحریر آن» به نشر سپردید که به دلایل آتی، باز هم شما و اختیارات مطبوعاتی شما دستخوش نظریات و عقائد دیگران گردیده و میخواهید که با مداخله در کاری که به شخص شما ربطی ندارد، رول فعالی داشته باشید. شما نه تنها سنگ را بالا می اندازید و سر تان را زیر آن میگیرید، بلکه با جرأت سنگی هم به زنبور خانه پرتاب مینمائید. حال می بینیم که با شامل ساختن من در معضله آقای موسوی و آقای سیستانی، چه کار هایی را جناب شما انجام میدهید:

اول: مضمون مؤرخ ۲۵ نوامبر ۲۰۰۶ میلادی اینجانب را که در مورد آقای سیستانی و مجلس بزرگداشت شان با حذف تاریخ نشر - در سایت "افغان - جرمن" ذکر تاریخ تحریر یا تاریخ نشر مطلب، معمول و بلکه حتمی است - طوری به نشر سپرده اید که خواننده تصور نماید که این قلم، جدیداً مضمون را نوشته و فرستاده است! باید گفت صد آفرین بر شما، قیس جان کبیر!! مگر و آیا، قبل از نشر دوباره این مضمون «کهنه»، لحظه ای فکر کردید که برعکس مضامینی که به زمان مقید نیستند، مضامینی هم هستند، که به مناسبت يك روز خاص و یا يك تاریخ بخصوص اقبال نشر می یابند. مثلاً، شما نمیتوانید سالگرد اعلامیه ارزشمند حقوق بشر را که سه روز قبل بود، سه ماه بعد تحلیل نمائید، همان طور که نمیتوانید در مورد کودتای منحوس هفت ثور در ماه دسمبر مضامین منتشر نمائید! پس، به چه مناسبت مضمونی را که از يك روز خاصی نمایندگی میکرد، با حذف مزورانه تاریخ آن به نشر سپردید؟؟ از نشر يك مضمون کهنه، چه را می خواهید ثابت نمائید؟؟ عقیده مرا که از آقای سیستانی به حیث يك مؤرخ که حقایق و جریانات تاریخی افغانستان را بیان مینماید، قدر نموده ام؟ یا میخواهید که من بگویم که در شناخت ایشان اشتباه فاحشی را مرتکب گردیده ام؟؟ باور کنید که با نشر این مضمون هیچ خواننده ای نتوانست که ارزیابی روشنی نماید که آیا قضاوت جناب شما در مورد آقای سیستانی به مفاد ایشان است و یا به مضار شان !!

دوم: از آب گل آلود ماهی گرفتن، همیشه کار بدی بوده است و تفرقه اندازی بد تر از آن میباشد! شاید با مغالطه ای که در نشر يك مضمون کهنه اینجانب، بین خوانندگان ایجاد نموده اید، هدف این باشد که من در آن مضمون و در آن سال، از آقای سیستانی به حیث يك مؤرخ تمجید به عمل آورده ام در حالیکه آقای موسوی با اختلافات اندیولوژیک و سوابقی که از شناسائی همدیگر داشته اند، نظر شان بروی همان تجارب استوار میباشد، نتیجه به زعم شما این گردد که ما قلم های مبارزوی خود را که باید برای شناسائی حوادث و واقعات خونین و رقت بار ملت و مملکت ما فعال بوده و به جهت ملی حرکت نمائید، از هدف عالی و مردمی آن منحرف ساخته و متوجه همدیگر بنمائیم. مگر شما این توطئه را براستی متوجه نگردیده اید؟؟

قیس جان کبیر، درست است که شما نظر به ما جوان و بی تجربه هستید، ولی از هر مرجعی که به شما امر شده باشد که این مضمون کهنه مرا با حذف تاریخ آن به نشر بسپارید، باید میپرسیدید که مقصد و مرام نشر آن چه میباشد؟ مضار و مفاد آن در چه مورد میتواند مؤثر باشد؟ امریکائی ها اصطلاحی دارند که میگویند در اقدامات تان احتیاط به خرج بدهید، مبدا که Back Fire نماید. این مضمون کاملاً بر عکس عمل نموده است، باور بفرمائید! آیا شما از خود پرسیده اید که چرا راه رفته مرا در تقابل با آقای سیستانی قرار میدهید؟ مگر آیا شما با اینکار تان بنحوی مخالف ایشان نمیباشید؟! فراموش نشود که من و شما بحث دیگری قبلاً در مورد قرار دادن بی موجب این قلم به مقابل دوستی، از جانب شما، داشتیم که به ذات خود، همان طوری که به شما یاد آور کردیم، نوعی تفرقه اندازی بود.

سوم: در یکی از مکاتیب شما که برای من ایمیل گردیده است و نزد من موجود میباشد، شما مرا مورد مواخذه قرار داده و ضمناً نوشته اید که: نشر نمودن يك «مضمون» که در يك دستگاه نشراتی دیگری چاپ شده باشد، تقلب است. شما کلمه «Cheat» را به وضاحت استعمال نموده اید. من از شما میپرسم که آیا شما از قوانین بین المللی درین مورد آگاهی داشته اید یا نه؟؟ این قانون اکثراً درین مورد چنین اظهار مینماید که اگر نویسنده به مقابل اثر خود و یا مضمون، شعر و غیره، پولی بدست آورده باشد، حق انتشار و مالکیت به ناشر متعلق میگردد، در غیر آن هر نویسنده ای صاحب و مالک نوشته خویش است. آیا شما میدانید که نوشته مرا بر علاوه اینکه بصورت مزورانه بی تاریخ ساخته اید، بدون اجازه این قلم، با نشر بی موجب مضمونی مبادرت نموده اید که حاوی خبری از دو سال قبل میباشد. شما مکلف بودید که از من کسب اجازه نموده و در بالای نوشته شرح قناعت بخشی هم در مورد نشر مضمون دو سال قبل، می نوشتید. در حالیکه بدین وسیله خواسته اید که مرا در انظار کودن جلوه دهید! آفرین بر شما !! محترم قیس جان کبیر، میگویند ضرر را از هر جا بگیری، منفعت است. قبل از اینکه اختیارات عقیدوی و ملی شما در تصرف دیگران، درد سرهای بیشتری را در روش ضد و نقیض مطبوعاتی تان برای شما خلق نماید، کمی هم از خود اراده و شخصیت نشان دهید. وقت آن فرا رسیده است که اثبات نمائید که شما همانی هستید که ادعا مینمائید، نه همانی که دیگران میخواهند که باشید!!

من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم
تو خواه از سخنم پند گیر، خواه ملال